

آنچه در شماره اول نشریه عروج می خوانید:

دروازه تاریخ

مقاومت، کلید عبور از سختی ها

سردار دل ها

مادر غزه

ظهور قهرمانی دیگر

ما آینده ایم.

معجزه خون

Save Palestine



عروج
O . R . U . J

نشریه فرهنگ - اجتماع - سیاسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه کار

عروج، نشریه هسته بین الملل دانشگاه مازندران

سال اول، شماره اول، زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: حوزه بسیج دانشجویی دانشگاه مازندران

زمینه انتشار: تخصصی، دانشجویی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تحلیلی

مدیر مسئول: حسین حزبئی پور

سردبیر: کوثر عیسی زاده

هیئت تحریریه: حسین حزبئی پور، فریبا آسه، صدیقه روشن دل، یاسمن محمدیان نژاد،

سیده عطیه تورنگ، سیده فاطمه زهرا پیروان، کوثر عیسی زاده

ویراستار، طراح لوگو و صفحه آرا: کوثر عیسی زاده

نشانی ما در فضای مجازی:



Oruj.umz



Oruj_umz



Orujumz_EN



Oruj_umz

عروج



دانشگاه مازندران
سندت فرهنگی و اجتماعی

سخن مدیر مسئول

● حسین حزبی پور

بسمه تعالی
الهی به امید تو!
بعد از مدتی کوتاه، اولین شماره از نشریه عروج تقدیم نگاه شما می‌شود؛ نشریه ای که قرار است در آن به طور تخصصی مسائل بین الملل را تحلیل و بررسی کنیم و همچنین، برای جلوه‌ی احساسات مان نسبت به قضایای بین الملل، گذری به نگاه ادبی داشته باشیم.
این قضایا می‌توانند سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باشند. باید دید زمانه چه می‌طلبد.
شاید این سوال در ذهن شما نقش ببندد:
عروج چیست؟
هسته بین الملل دانشگاه مازندران یا عروج فضایی است برای دغدغه مندان و علاقه مندان به رخداد های جهانی. عروج تشکیلاتی است که برای ورود به آن فقط باید علاقه و پشتکار داشت.
با توجه به مهم ترین رویداد های منطقه در این مدت که ظلم آشکار رژیم صهیونیستی و تغییر حکومت سوریه است، در این نشریه به این موضوعات می‌پردازیم.
و تشکر میکنم از بزرگوارانی که در تاسیس این نشریه به ما کمک کردند. همچنین، خدایوت به اعضای مجموعه‌ی عروج که تمام تلاششان را برای موفقیت این مجموعه انجام دادند که **این اول راه ماست.**
و من الله توفیق

سخن سردبیر

● کوثر عیسی زاده

نامت برکت دهنده‌ی هر امری است؛ پس با نام تو آغاز را رقم می‌زنم.
بسم رب القلم!
در محضر دیدگان شما، اولین شماره از نشریه‌ی عروج قرار دارد که جمعی به نوشتن و آماده‌سازی آن همت گماشته‌اند. عروج نشریه هسته بین الملل دانشگاه مازندران است که نگاه ویژه ای به مباحث ایران و بین الملل دارد.
از آنجا که دغدغه‌ی امروز ما حول محور مقاومت می‌چرخد، این شماره بیشتر به این موضوع اختصاص پیدا کرده است. ما توان خود را به کار گرفته ایم تا هرچند کم و ناکافی، کنار مظلومان بایستیم و خود را از گله‌ی نامردمان جدا سازیم و الحمدلله، رزق این روزهای ما این است که در این فضا زیست می‌کنیم.
ما تازه در «ب» بسم الله هستیم و تازه نفس، امیدواریم در این راه ما را با نظراتتان یاری کنید.
عزت تان زیاد و برکت تان متوالی.

فهرست

یادداشت شما

۱۷

کتابخانه

۱۶

معجزه خون

سیده فاطمه زهرا پیروان

۱۴

ظهور قهرمانی دیگر

سیده عطیه تورنگ

۱۳

سردار دل‌ها

صدیقه روشن دل

۱۱

دروازه تاریخ

کوثر عیسی زاده

۹

ما آینده‌ایم.

فریبا آسه

۸

مادرِ غزه

یاسمن محمدیان نژاد

۵

مقاومت، کلید عبور از سختی‌ها

حسین حزبی پور

۳

مقام معظم رهبری:

حالا اول بگویم مقاومت اصلاً یعنی چه. مقاومت به معنای ایستادگی در مقابل سلطه‌ی آمریکا و هر سلطه‌گر دیگری است؛ این معنای مقاومت است. مقاومت به معنای مبارزه‌ی پا وابستگی به این قدرتها است؛ مقاومت یعنی ملت‌ها نوکر قدرت برتری مثل آمریکا و امثال اینها نشوند؛ این معنای مقاومت است.

۱۴۰۳/۹/۲۱

**مقاومت، کلید عبور از سختی‌ها**

حسین حزبی پور

طوفان‌های نابرابری و ستم ایستادگی می‌کنند. این مقاومت زاییده‌ی عشق به خدا و میهن است. عشقی که در دل هر مسلمان زنده است و او را به سوی مبارزه با ظلم و فساد رهنمود می‌سازد.

ارزش‌هایی است که برای ما عزیز اند. وقتی که در برابر بی‌عدالتی و نادرستی‌ها ایستادگی می‌کنیم نشان می‌دهیم که به آنچه باور داریم پایبندیم. این ایستادگی نه تنها ما را قوی‌تر می‌کند بلکه الهام بخش دیگران نیز خواهد بود.

القصد، مقاومت نه تنها یک عمل فیزیکی بلکه یک حالت روحی و ذهنی است. زندگی همچون یک سفر است و مقاومت کلید عبور از پیچ و خم‌های آن.

مقاومت اسلامی به معنای دفاع از حق و حقیقت در برابر باطل و فساد است. آنجا که انسان‌ها برای حفظ کرامت انسانی و ارزش‌های اسلامی خود به پا می‌خیزند، در واقع به ندای وجدانی خود پاسخ می‌دهند و با تمام وجود در برابر

مقاومت همچون کوهی استوار در برابر طوفان‌ها و ناملایمات زندگی است. این واژه نه تنها به معنای ایستادگی و پایداری در برابر فشارها و چالش‌ها است، بلکه به عمق روح انسان و اراده‌ای که در دل او می‌تپد اشاره دارد.

در زندگی روزمره، مقاومت به معنای تحمل سختی‌ها است. گاه با مشکلاتی روبرو می‌شویم که گویی دنیا بر سرمان خراب شده است اما در دل همین تاریکی‌هاست که نور امید می‌درخشد. این نور نشانه‌ای از قدرت درونی ماست؛ قدرتی که می‌تواند ما را از لبه‌ی پرتگاه نجات دهد و به سوی روشنایی رهنمون سازد.

مقاومت، همچنان، نشان‌دهنده‌ی تعهد به اصول و



مادرِ غزه

یاسمن محمدیان نژاد



این مکتب زینبی را با زنِ اهل غزه و صلابتش و قوتش مقایسه می‌کنم، برایم روشن می‌شود که در دل تاریکی می‌شود امید و روشنائی بود؛ می‌شود زنی ساکن غزه بود؛ می‌شود نور بود. زنی که شاید سال‌هاست آرزوی پختن کیک محبوب فرزندانش را در آشپزخانه‌ای کوچک دارد؛ او حالا نه شرایط تحصیل دارد و نه شرایط مناسب برای به دنیا آوردن فرزندانش. زن اهل غزه، از ابتدایی‌ترین امکانات هم محروم است اما به گمانم آیه‌ی «ان الله مع الصابرين» را به خوبی برای خودش معنا کرده است؛ چون او یک مادر است و سرزمینش برای پناه بردن، به او احتیاج دارد. او باید صبور باشد. باید خودش را حفظ کند؛ چه دختر باشد، چه خواهر و چه همسر.

در فرهنگ ما، ایرانی‌ها، وطن ارزش بالایی دارد. ارزش این کلمه به قدری بالاست که برای تشبیه اش ناچار می‌شویم، فقط از واژه‌ی مادر استفاده کنیم. مادر برای ما مقدس است؛ چه در فرهنگ ایرانی و چه در فرهنگ اسلامی و زن اهل غزه مادرِ غزه است.

روزی که خبر شهادت دختر کاپشن صورتی پخش می‌شد و یا زمانی که فهمیدیم آرتین تمام خانواده اش را از دست داده و از دار دنیا یک خواهر برایش مانده است، تمام فکر و ذکر برخی هایمان تسلای خاطر و کمک به خانواده هایشان شد.

وقتی از تنهایی حرف می‌زنیم و یا وقتی از خواهر تنها حرف می‌زنیم، بی‌انصافی است اگر نام زینب (س) نیاید. عجیب این روزهای برخی هایمان گره خورده به روزهای غزه، به روزهای دختران هم سن و سال خودمان یا نه، کمی بزرگ تر و کمی کوچک تر. دخترانی که حالا می‌توانند برایمان از معنای دقیق اضطراب، وحشت، ترس، بی پناه بودن و آوار بگویند؛ البته اگر بیان شیوا برایشان باقی مانده باشد. ترس، وحشت، اضطراب، آوار و ... برای ما ارثیه‌ی خرابه‌های شام و دختر سه‌ساله است.

سال‌هاست وقتی روضه خوان در مجالس و هیئت‌ها به روضه حضرت زینب (س) و جمله‌ی (ما رایت الا جمیلا) می‌رسد و صلابت را در تنهایی و استیصال روایت می‌کند، درک همه چیز برایم سخت می‌شود؛ اما وقتی

در سال ۲۰۲۴، بر زنان فلسطینی چه گذشت؟

- ۱۲۰۰۰+ زن توسط اسرائیل به شهادت رسیده‌اند.
- ۱۲۰۰ زن همسرانشان را از دست داده‌اند.
- ۷۰٪ شهدا زنان و کودکان هستند.
- ۱۷۵۰۰ زن درگیر بحران‌های سلامت هستند.
- ۷۳۰۰۰ زن باردار هستند.
- ۴۴۰۰۰ زن در ۲۰۲۴ زایمان داشته‌اند.
- تقریباً تمام زنان مجبور به ترک تحصیل شده‌اند.

«ما آینده ایم. تکرار می‌کنم که آنها گذشته هستند و ما آینده ایم.»

سخن شهید جمهور ابراهیم رئیسی در سازمان ملل، ۱۴۰۲/۶/۲۸

فربیا آسه



سبب شده است تا ایران کشوری استثنائی و جذاب باشد تا آنجا که هنری کیسپینجر، متفکر و سیاستمدار آمریکایی آن را قلب حیاتبخش خاورمیانه می‌نامد و لرد جورج کرزن، سیاستمدار مشهور انگلیسی، آن را حلقه وصل اروپا به آسیا توصیف می‌کند. سیاستمداران غرب و شرق متفق القول اند که تسلط بر ایران به معنای تسلط و دسترسی به غرب آسیا، آسیای میانه و تامین بخش مهمی از امنیت اروپاست.

مجاورت و حضور تمدنی ایران در آسیای میانه و حوزه قفقاز، ایران را به کلیدی‌ترین کشور غرب آسیا تبدیل کرده است. حضور ایران در جغرافیای مهم که از یک سو بیشترین مرز دریایی را در خلیج فارس و دریای عمان به عنوان شریان اصلی تبادل انرژی جهان دارد، مجاورت در حوزه دریای خزر و حوزه مهم قفقاز که جوزف استالین، رهبر شوروی، آن را پهلوی شوروی و اروپا توصیف می‌کرد و همچنین همسایگی با اروپا و آسیای میانه

ایران با حدود ۸۴ میلیون نفر جمعیت، دومین کشور بزرگ خاورمیانه است که در یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین نقاط دنیا واقع شده است. ایران با جمعیتی نسبتاً جوان و تحصیل‌کرده، غنی از منابع انرژی و معدنی، برخوردار از امکانات طبیعی و اقلیمی استثنائی، از ظرفیت‌های بالایی برخوردار است که آن را به یکی از کشورهای مهم، نه تنها در منطقه بلکه در قاره آسیا و در مجاورت اروپا تبدیل کرده است. همچنین

ادامه‌ی متن «ما آینده ایم.»:

حکومت بعثی صدام حسین قرار دادند تا به نیابت از آنها با ایرانی بجنگد که انقلابی نوپا را تجربه کرده و حکومتی تازه متولد را برای خود برگزیده بود. صدام حسین بارها به متحدان عرب خود گفت که به نیابت از جهان عرب با ایران می‌جنگد. کما اینکه

انقلاب اسلامی ایران، تحولی شگرف نه تنها در ایران بلکه در کل معادلات خاورمیانه بوده است. برای نخستین بار، گفتمانی به جهانیان عرضه شد که متفاوت از گفتمان رایج زمانه خود، شرقی یا غربی، بود. گفتمانی که بر استقلال کشورها تاکید می‌کرد و دفاع از مظلومین جهان را رسالت خود می‌دانست. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران، استقلال و آزادی را شعار اصلی و بالفعل خود و بالفعل خود قرارداد

دیوید جورج نیوتن، سفیر آمریکا در عراق در دهه هشتاد، برای تداوم حمایت کشورش از عراق در جنگ با ایران، صدام حسین را فرمانده برگزیده غرب برای جنگ با ایران توصیف می‌کرد. این جنگ برای ایران درس‌های بسیاری داشت؛ از جمله اینکه به آن آموخت که به هیچ کشور و قدرتی نمیتواند اعتماد کند و آنچه برای تامین دفاع و امنیت خود نیاز دارد را تنها خود می‌تواند تامین کند. **ایران دریافت که بازدارندگی خود را نمی‌تواند به هیچ قدرتی گره بزند و تنها خود میتواند آن را تعریف و عملیاتی کند.** با این هدف ایران برای ایجاد بازدارندگی و رفع نگرانی‌های امنیتی خود به ساخت سلاح اقدام کرد. در طول این مدت، ایران توانسته است به اذعان کارشناسان شرق و غرب، به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای

و همه‌ی تلاش خود را کار بست تا جایگاه خود را بر این اساس تثبیت کند. رسیدن به این هدف هزینه‌ساز بوده است. کشورهای که همواره داعیه‌دار نفوذ در ایران بودند و ایران را کشوری تعریف کرده بودند که یا باید در بلوک غرب تعریف شود یا در منظومه جهان شرق کمونیست، ایران مستقل را بر نمی‌تافتند و انواع دسیسه‌ها را برای به انقیاد در آوردن آن تدارک دیدند. جنگ ۸ ساله تحمیلی برای جمهوری اسلامی ایران نبرد تنها با کشور عراق نبود، بلکه نبرد با همه کشورهای شرقی و غربی بود که تمامی منابع خود را در اختیار

جمهوری اسلامی

درزمینه‌های تسلیحاتی و امنیتی برسد. سلاح‌های ایران هیچگاه تهدیدی برای هیچ کشوری نبوده است بلکه تنها صرفاً برای تامین نیازهای امنیتی ایران در برابر دشمنان خارجی ساخته شده‌اند. ایران معتقد است اگر درزمینه تسلیحات به پیشرفت‌های لازم نرسیده بود تا کنون بارها قربانی توطئه‌های دشمنانش قرار می‌گرفت. پیشرفت‌های ایران در تامین امنیت در مبارزه با تروریسم نیز بارها محک خورده است. زمانی که تروریست‌ها پایتخت‌های اروپایی را درمی‌نوردیدند و شهرهای بزرگ عربی و آسیایی را به کانون فعالیت‌های خود تبدیل کرده بودند، ایران نه تنها توانست به بهترین شکل ممکن امنیت خود را تامین کند بلکه به الگویی برای بسیاری از کشورهای جهان تبدیل شد تا آنجا که بسیاری از کشورهای جهان از ایران می‌خواستند تجربیات خود در مبارزه با تروریسم را با آنها به اشتراک بگذارد.

آزادی

استقلال

ادامه‌ی متن «ما آینده ایم»:

ایران در سوریه، لبنان، فلسطین و یمن حضوری موثر دارد و متحدانی در آن کشورها دارد که در معادلات داخلی کشورهایشان و همچنین سیاست‌گذاری در خاورمیانه تاثیرگذارند.

ایران همچنین در معادلات سیاسی افغانستان و آسیای میانه حضوری موثر و معنادار دارد. ایران بهترین و نزدیک‌ترین روابط را با کشورهای آسیای میانه دارد و آن‌ها را بخشی از حوزه تمدنی خود می‌داند. حضور موثر ایران در منطقه قفقاز برای تمامی کشورهای حاضر در این منطقه انکارنشده است. **نادیده انگاشتن ایران به معنای به نتیجه نرسیدن هیچ‌گونه صلح و توسعه‌ای است.** از اینجاست که میتوان دریافت عضویت ایران در سازمان شانگهای تا چه اندازه اهمیت دارد.

تمامی این امکانات سبب شده‌اند تا بازدارندگی‌ای بومی و خودساخته برای ایران به وجود

آید. بازدارندگی‌ای که حتی دشمنان ایران به آن اذعان دارند و به نوعی آن را به رسمیت شناخته‌اند.

ایران، در حال حاضر، بهترین روابط را با کشورهای پیرامونی خود دارد. عراق که در دهه هشتاد طولانی‌ترین جنگ قرن را با ایران سپری کرده بود، اکنون به کلیدی‌ترین کشور متحد ایران تبدیل شده است. روابط تجاری ایران با کشورهای عرب جنوب خلیج فارس رو به گسترش است و امارات متحده عربی بزرگترین شریک تجاری آن در منطقه محسوب می‌شود. کشورهای بزرگ آسیای دویستان نزدیک ایران محسوب می‌شوند. بزرگترین شریک تجاری ایران چین است و هند و پاکستان با وجود حساسیت‌هایشان، بهترین روابط را با ایران دارند.

زبگینیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی سابق کاخ سفید که اکنون در قید حیات نیست، چند سال پیش درباره ایران گفته بود:

«همانطور که بارها اعلام کرده‌ام کشوری که سی و چند سال تحت شدیدترین فشارها و تحریم‌ها بوده است، **اکنون با این همه مشکلات، رتبه ۱۷ اقتصاد جهان را داراست، دانش هسته‌ای را نهادینه کرده، در سلول‌های بنیادی جزو پیش‌قراولان جهان است، پنجمین ارتش و قوای مسلح نظامی جهان را داراست، خاورمیانه کاملاً تحت نفوذ و سیطره آن هاست و من اعتماد راسخ دارم این کشور با این ظرفیتها و توان بومی، در آینده‌ای نه چندان دور احیاگر تمدن بزرگ اسلامی - ایرانی میشود.**»

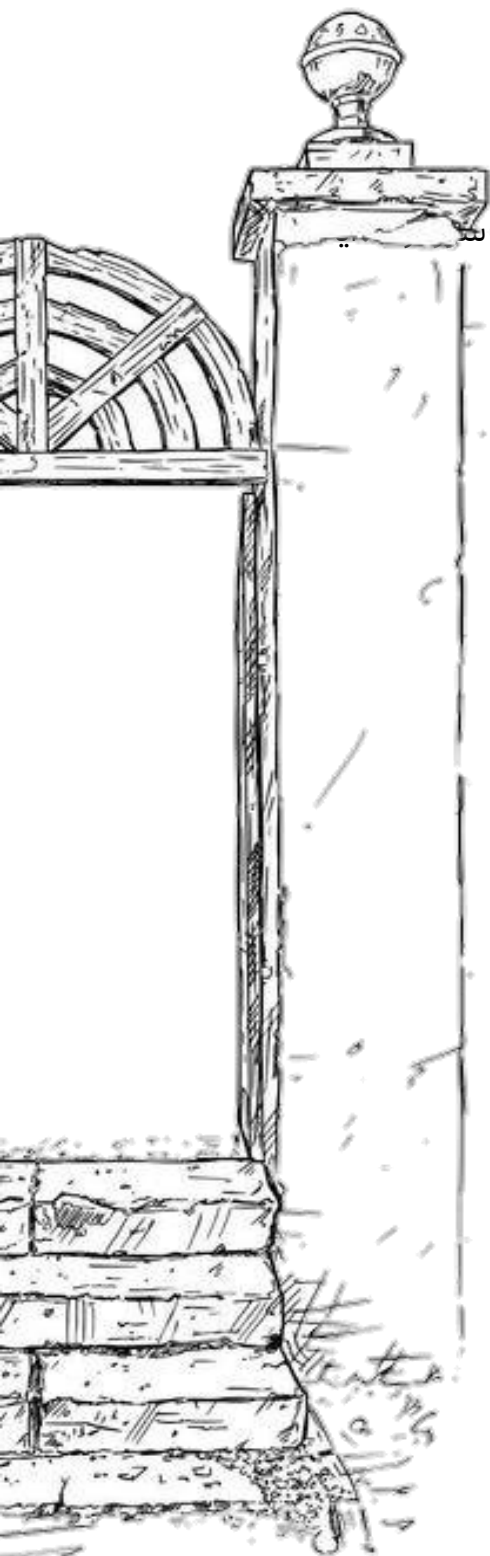
چنین تعبیر و تحلیل‌هایی از قدرت و اقتدار ایران اسلامی از زبان فردی گفته شده که سال‌ها در قامت دشمن جمهوری اسلامی نقش آفرینی کرده است و پس از سال‌ها در پایان عمر خود به این نتیجه رسیده که ایران به اندازه‌ای از توانایی رسیده و همچنان در حال پیشرفت است که نمی‌توان مقابل آن ایستاد.

نقشه منطقه‌ای خاورمیانه



دروازه تاریخ

کوثر عیسی زاده



بی صفتی بتواند آن را به ما تقدیم کند.

بشار اسد تا روز آخر امید داشت که مردم فریب نخواهند خورد اما این فریب به گونه ای شیرین می نمود که حتی پیشنهاد افزایش حقوق توسط بشار اسد نتوانست این فریب را بی اثر کند. تاوان گوش ندادن به هشدارهای ایران در زمینه اقدامات مشکوک در ادلب را بشار اسد با تقدیم دولتش به جولانی داد تا درس عبرتی باشد برای دیگران.

این پرسش مطرح است که آیا ما نگران نیستیم؟ اگر نگرانیم، چرا کاری نکردیم؟ مگر می شود نگران حرمین نبود؟! رگ غیرت مومن را بزنی، برایش راحت تر است از این که به ناموسش نظر داشته باشی. بدانید که ایران نمی گذارد که دست شما به حرمین شریف برسد؛ کما اینکه الان سوریه در دستان شماست ولی نمی توانید به حرمین تعرضی کنید. ولی اینکه چرا ماکاری نکردیم، در آیه ای از قرآن خلاصه می شود:

«همانا خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی دهد تا آنکه آنان سرنوشت خود را تغییر دهند.»

سوریه، این سرزمین رویدادها، در باختر آسیایی که در آن زیست می کنیم، گرچه ضعیف اما هنوز هم نفس می کشد. زمینی که چند سالی است به خود آرامش ندیده و تا می خواهد طعم آرامش را بچشد، به زمین بازی دیگران مبدل شده است.

این کشوری که امروز، این گونه دست به دست می شود، تاریخی کهن را بردوش می کشد. دمشق، ملقب به دروازه تاریخ، از قدیمی ترین شهرهای جهان می باشد و آن را اولین پایتخت دنیا می نامند. پس ما از کشور بی نام و نشانی صحبت نمی کنیم. از مکانی صحبت می کنیم که با تاریخ عجین است.

حال به این برسیم که چه شد دروازه تاریخ مبدل به عروس چند داماد شد. جولانی، این مار خوش خط و خال یا شاید بهتر باشد بگویم آفتاب پرست که از سبک پیشین اش جواب نگرفته بود، در کلاس بازیگری آمریکایی ها ثبت نام کرد. ثمره اش این بود که از جولانی تکفیری به جولانی کت و شلوار پوش لیبرالیست تبدیل شد. مردم سوریه به دنبال وعده های شیرین جولانی خویش را فروختند تا کمی آزادی بخرند؛ لیک آزادی متاعی نیست که هر

ادامه‌ی متن «دروازه تاریخ»:

دروازه تاریخ «دمشق» فرود آمد، نشان می‌دهد که حکومت‌ها می‌آیند و می‌روند. لیک بدانید این علم اسلام است که هم چنان پابرجاست و فرقی نمی‌کند چند نفر بخواهند آن را به زمین بزنند؛ **زیرا علمدار آن خود خداست.**

آوردن نه تنها ضعیف نمی‌شود بلکه قوی‌تر می‌شود. همان پیر فرزانه، که در دل جوان است، از چند قدم جلوتر می‌گوید که اوضاع اینطور نمی‌ماند. جوانان سوری به پا خواهند خاست. تلفات هم خواهند داد اما بر این وضع فائق خواهند آمد. بلندی‌ها و پستی‌هایی که بر

تا وقتی مردم سوریه نخواهند، آزاد نخواهند شد. اما پیر انقلاب که جلوتر و بهتر از ما مسیر را می‌بیند، تاریکی مقابل دیدگان ما را به روشنی قدم‌های بعدی مزده می‌دهد. او که عقیده دارد مقاومت یک ایمان، یک تصمیم قلبی و یک مکتب است، به ما می‌گوید که **مقاومت با فشار**

علیرضا زادپر:

تحلیلگر سیاسی

باید جریانی به وقایع نگاه کرد. شاید روزی برسد که حتی ما و بزرگان ما هم نباشند اما «جریان حق» پیروز شود کما اینکه الان حاج قاسم و سید حسن نیستند ولی جریان حق پابرجاست. جریان مقاومت نابود نشده، مقاومت وسط جریان است، زخمی شده اما زخم هم بر پیکر دشمن کشیده است. نه شکست را توجیه کنیم و کوچک بشماریم و نه با تحلیل‌های احساسی پایان مقاومت را اعلام کنیم. **خاصیت «در جنگ بودن» را درک کنیم. با یک پیروزی به عرش نرویم و با شکست احساس نابودی نکنیم.**

شهید سلیمانی:

نکته دیگر، شناخت به موقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم به موقع و عمل به موقع؛ هر یک از این‌ها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی شما اثر جدی دارد.



سردار دل‌ها

صدیقه روشن دل

شما دانستیم، لیک خنجرکشان واقعی بعد شما بود. درد را بر سرشان نازل کردیم. چه ها کشیدی دلیر مرد تا حرم را خون افشان آزاد کنی. بدان هنوز هم غرش های همیشه سبزه در صحن حرم ها می پیچد.

بعد گرفتن شما از جهانمان، آری هیچ برایمان نماند جز دلی پر از خشم و چشمی پر از اشک. شما با دستانی خالی جنگیدید و ما با دلی خالی لیک پر از امید می جنگیم. **آن روز، قاسم ها زاده شدند.** آن روز، سردار ها به پا ایستادند. آن روز، تمام جهان ققنوس وار از خاکستر شما برخاستند. ایستادیم، گریه کردیم، درد کشیدیم و جنگیدیم. آری، بعد شما تمام جهان با ما سر جنگ داشت. ثمـره ی اشک هایمان، جنگ هایمان و دردهایمان خفکان شد، انتقام شد، شجاعت شد. همه ی جهان به انتظار لبخند دوباره ی شما در پس فتح قدس نشسته است.

سردار! قلم هایمان جوهری به ارزشمندی جوهر وجود شما ندارد، لیک می نویسیم با قلم خونمان، به طراوت روحمان، به شوری اشک هایمان و به یادگار زیبایی لبخند هایتان (ماندگار باد رشادت های بی پایانتان).



سلام سردارم! صدای ما را از اعماق ایرانم می شنوید. ماییم آن فرزندان بهت زده، در آن صبح دم غمگین!

سردارم! تا به آن روز دل یک خاورمیانه به شیر شیرانش خوش بود.

سردارم! بعد رفتنتان، هر آنچه که برایمان ماند، قلبی بود پر از انتقام و خشم.

سردارم! لبخند همیشه سبزه تان رفت، ولی شجاعت تان برایمان به یادگار ماند.

بعد شما، دگر کسی در اعماق تیرباران همچو ققنوس در میانه آتش فرود نیامد، لیک شیربچه هایمان از جنس آتش شدند و بر دشمن ها زبانه کشیدند. بعد شما، آقا هر بار شکوه مندانه تر به نماز ایستاد و ما هم اما هرگز از پا ننشستیم. بعد رؤیت دست شما، دگر هیچ دستی نماند ما را نجات دهد.

دست بر زانو خود زدیم و ایستادیم.

هر آنچه که با چنگ و دندان آمد، بعد شما با نسیمی رفت؛ جز رشادت های فرزندان تان. شما شیر بودی در این بیشه ی کارزار و چه ها نکشیدیم بعد شما از شغال صفتان. سال هاست نیمه های شب، جهان به انتظار شما می نشیند. درد را در رفتن

ظهور قهرمانی دیگر

سیده عطیه تورنگ

بار اول که عکس او را دیدم، تضاد مردی سپیدپوش و یک تانک برایم بسیار عجیب به نظر آمد. مرد را نمی شناختم اما از روپوش سفیدش و فضای ویران اطرافش می توانستم حدس بزنم دکتر یا پرستاری است که در کشور جنگ زده ای فعالیت می کند.

دوست داشتم بیشتر از این مرد بدانم، برای شناختنش شبکه های مجازی را جست و جو کردم و دیدم پیش از آنکه من بخوام وجود و جود بزرگش را بشناسم، دنیا به دنبال شناختنش رفته است. آن مرد دکتری اهل فلسطین بود، کشوری که تمام مردمانش رنج دیده، زخم خورده، آواره ولی همچنان مقاوم هستند.

دکتر حسام ابوصفیه طی چند ساعت تبدیل به قهرمان جدیدی برای مردمان حامی فلسطین شد و با یک عکس برای باری دیگر دنیا را تکان داد. آن مرد تنها یک دکتر معمولی نبود. او رئیس بیمارستان کمال عدوان بود، آخرین بیمارستان فعال در شمال باریکه ی غزه که رژیم صهیونیستی بارها حکم تخلیه اش را داد اما دکتر حسام مقاومت کرد و اجازه این کار را نداد. بیمارستان کمال عدوان

وقتش باشد خودش هم سینه سپر می کند و رو در روی ظالمان می ایستد.

رژیم صهیونیستی با دیدن مقاومت حسام ابوصفیه پس از شهادت پسرش تصمیم گرفت تا این بار خود او را هدف بگیرد. در سومین روز از آذرماه ۱۴۰۳ حسام ابوصفیه هنگام خروج از اتاق عمل بر اثر اصابت ترکش های پهبادی اسرائیلی از ناحیه پا دچار جراحت شد اما پارگی رگ های پایش به وسیله شش ترکش هم نتوانست او را متوقف کند.

برای مجروحین فلسطینی نور امیدی بود، امید به حیاتی دوباره و مجدد. امیدی که تنها مسبب اش مقاومت حسام ابوصفیه بود.

حسام ابوصفیه حاضر بود برای تداوم این فعالیت دست به هرکاری بزند. او خوب می دانست امید بسیاری از مردم به او و بیمارستانش است. به همین دلیل بود که در تمام مدت زندگی پیش از اسارتش با وجود تمام اتفاقاتی که برایش رخ داد با قامتی رشید ایستاد و مقاومت کرد.

داستان مقاومت این مرد آن جایی به اوج می رسد که رژیم کودک کش اسرائیل برای فشار آوردن به او، پسر ۱۳ ساله اش را در بیمارستان خودش به شهادت می رساند و با خود فکر می کنند این نقطه پایان مقاومت این مرد است. نمی دانستند که حسام ابوصفیه شجاع تر و دلیرتر از گذشته به راهش ادامه می دهد و خودش در حیات بیمارستانش بر پیکر پسر شهیدش با روپوش سفیدش نماز می خواند. نمی دانستند که حسام ابوصفیه شاگرد ممتاز مکتب مقاومت است و شهادت پاره تنش مانند نشان افتخاری بر روی سینه اش حک می شود و هر زمان که



ادامه‌ی متن «ظهور قهرمانی دیگر»:

این اتفاق باعث شد حرف‌هایش باری دیگر به گوش جهانیان برسد، او در این باره گفت: «این، ما را متوقف نخواهد کرد. در محل کارم مجروح شدم و این، یک افتخار است. خون من ارزشمندتر از خون همکارانم یا افرادی که به آن‌ها خدمت می‌کنیم، نیست.»

حسام ابوصفیه با هر اتفاق قوی‌تر و مقاوم‌تر می‌شد و هیچ چیزی جلو دار او برای دست کشیدن از آرمان‌هایش نبود. سرانجام در ششمین روز از دی‌ماه سال ۱۴۰۳ یا به عبارتی بیست و ششم دسامبر سال ۲۰۲۴ ارتش اسرائیل با تانک‌هایش برای آخرین اخطار تخلیه به سمت بیمارستان

حرکت کرد. هیچ کس فکرش را هم نمی‌کرد اسرائیل این بار هم به بهانه‌ی شکستن مقاومت یک مرد باعث شود آرمان‌ها و تفکرات همان مرد در سراسر جهان فراگیر شود.

حسام ابوصفیه تا آخرین ثانیه‌های پیش از اسارتش اسطوره‌ای از جنس مقاومت بود. مردی که خودش با گام‌هایی استوار و دست‌هایی مشت کرده از خشم و نفرت به سمت تانک‌های آماده‌ی شلیکی رفت که روزی خانه‌های اطراف بیمارستان را تبدیل به آواره‌های کنونی زیر پاهایش کردند.

قهرمان سفیدپوش غزه، نماد جدیدی از انسانیت و مقاومت در تمام جهان است که پس از آخرین

عکس ثبت شده‌اش در مقابل تانک‌ها خبری از او در دسترس نمی‌باشد. مردمانی مانند حسام تا زمانی که ظلم ریشه‌کن نشود، از ایستادگی باز نمی‌ایستند و تکثیر می‌شوند و روزی خواهد رسید که مکتب مقاومت در دل‌های تمام جهانیان نفوذ کند و نورش دل‌های تاریک را بیدار کند.

حسام و دلاورمردانی همچون او با هر توانایی‌ای که دارند خود را وقف هدف مقدسی کرده‌اند که تنها به آزادی ختم نخواهد شد. هدفی که تمام‌شان می‌دانند در تک‌تک گام‌هایی که برای تحققش بر می‌دارند خداوند توانایی‌هایشان را بیشتر و اراده‌شان را پولادین‌تر می‌کند.



شهید سید حسن نصرالله:

همچنین درودی بی‌پایان می‌فرستیم بر این ملت اسطوره‌ای و بی‌مانند؛ ملت و اهالی غزه که در تلویزیون دیدیم چگونه یک مرد، زن یا کودک از زیر آوار بیرون می‌آید و در حالی که خانه‌اش ویران شده و خانواده‌اش به شهادت رسیده‌اند فریاد می‌کشد همه‌ی چیزهایی که تقدیم کرده‌اند فدا می‌شود، مسجد الاقصی و فلسطین باشد. **قدرت واقعی این جاست. این آن ملتی است که زبان از بیان عظمت، جبروت، ایمان، پایداری و صبر آن عاجز است.**

معجزه خون

سیده فاطمه زهرا پیروان

بسم رب الحسین (علیه السلام)

اینکه با این نام جهانی سخنم را آغاز می‌کنم معانی زیادی در دل دارد. آخر، حسین (علیه السلام) یک مکتب جهانی است. او اولین قیام‌کننده در مقابل حکومت‌های نامشروع و ظالم بود. حسین (علیه السلام) خود معنی آزادگی است. حسین (علیه السلام) خود معنی به فکر دیگری بودن است؛ و به قول حضرت سعدی:

«بنی آدم اعضای یکدیگرند، که در آفرینش ز یک گوهرند / چو عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار»

قلم که به صفحه کاغذ می‌گذارم ذهنم همواره سوال‌هایش را نسبت به فضای امروز جامعه

می‌کنم. اولین برخورد من با تاریخ معاصر جمهوری اسلامی ایران است و کلام شهید دکتر سید محمد بهشتی که می‌فرمایند: **دانشجو، موذن جامعه است؛** یعنی اگر بخواهم این کلام را با حال و هوای الان‌مان تطبیق بدهم می‌رسم به اینکه دانشجو موذن عدالت است، موذن ظلم‌ستیزی است که مرز نمی‌شناسد. این که برخی دانشجویان آمریکایی به اصل الهی خود بازگشتند، خود نشانه‌ای روشن و امید در دل است. بالاخره فطرت است دیگر. گاهی آنقدر دست قدرتمندی دارد که وجودیت انسان را به سمت درست تاریخ می‌کشاند، هرچند فضا غبارآلود باشد.

جهانی فریاد می‌زند. سوالی بود که از زمان اعتراض‌های دانشجویی دانشگاه‌های آمریکا در حمایت از فلسطین در ذهنم نقش بسته بود؛ که چرا؟! آن‌ها که مانند ما داعیه‌ی حمایت از مظلوم ندارند. آن‌ها که سیاست‌های خارجه‌شان مبنی بر دفاع از مظلوم و مستضعفان جهان نیست. چرا آنها؟! چه فعل و انفعالاتی ممکن است در سر یک دانشجوی آمریکایی به قول ما راحت طلب و با امکانات رخ بدهد که اینگونه زندگی خود را به خطر می‌اندازد برای افرادی که حتی آنها را نمی‌شناسد و بعدها هم ممکن است نشناسد. یا اصلا خودش چطور فلسطینیان را می‌شناسد؟! برای پاسخ به سوالاتم تاریخ را باز



ادامه‌ی متن «معجزه خون»:

عدالت طلبی و ظلم ستیزی در کالبد فسرده‌ی جامعه‌ی ای رشد می‌کند که ارزش‌های آن جامعه چیز دیگری است. من اسمش را می‌گذارم معجزه خون! معجزه‌ای که اسم حسین (علیه السلام) را به وادی این متن کشانیده است. معجزه‌ای که باعث شد آن‌هایی که خواستار برهم زدن نظم جامعه‌ی خاور میانه بودند، حال، فرزندان‌شان در ردیف اول مقابله با اهداف‌شان ایستاده‌اند. آن‌هایی که خواستار شورش‌های همه جانبه در داخل ایران بودند تا سیاست‌های ایران را به هم بزنند، حال دارند طعم

مخالفت با ساز و کارهایشان، آن هم توسط یکی از مهم‌ترین افشار جامعه‌شان را، می‌چشند. از منظر من، گاهی خون به ناحق ریخته شده بیشتر از خون در رگ می‌ارزد. این را خون هزاران کودک فلسطینی ثابت کرد؛ اما اینجا نکته قابل تامل این است که چگونه این قشر جوان آمریکایی توانستند به این باور برسند و پیشرفت چشمگیر آن‌ها در حوزه مقاومت به چه علت است. گمان می‌برم الگوگیری از مقاومت ایران و جوانان ایرانی هم بی‌تاثیر نبوده است. و در پایان، تاریخ همواره به

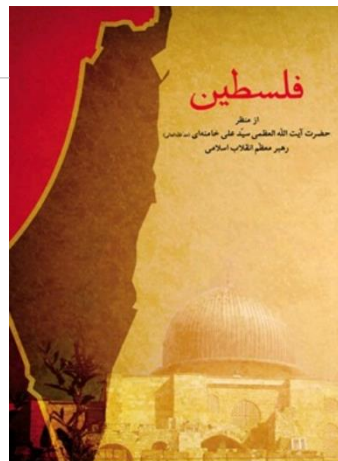
قضاوت ایستاده است و می‌بیند هر فرد چه اثری از خود در این دنیا به جا می‌گذارد. نام نیک یا بد؟! و تاریخ قلمت بشکند اگر نویسی و ثبت نکنی جوانانی برای دفاع از حق، حتی در بی عدالت‌ترین جامعه جهانی قد علم کردند و پیروزانه به هنگام دستگیری فقهه‌ی مستانه‌شان گوش جهان را کر کرد. و این‌ها همان‌هایی هستند که سخن حسین بن علی (علیه السلام) را اجابت کردند که **اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید.** و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته.



فلسطین

کتاب «فلسطین» از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی
شرح کتاب:

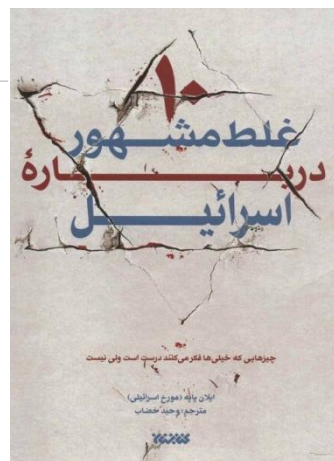
این کتاب توسط دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با مقدمه‌ی دکتر علی‌اکبر ولایتی منتشر شده است. در این کتاب علاوه بر انتشار بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در تاریخ ۱۳۵۹/۵/۱۷ (دومین برگزاری روز قدس انقلاب اسلامی) در ۸ بخش شامل «کلیات»، «شکست‌ها و پیروزی‌ها»، «مسئولیت‌ها»، «جنایات»، «راه‌حل‌ها»، «قهرمانان»، «روشنگری» و «آینده‌ی روشن» به مرور بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون مسئله‌ی فلسطین پرداخته است.



۱۰ غلط مشهور درباره اسرائیل

۱۰ غلط مشهور درباره اسرائیل از ایلان پاپه، با ترجمه‌ی وحید خضاب
شرح کتاب:

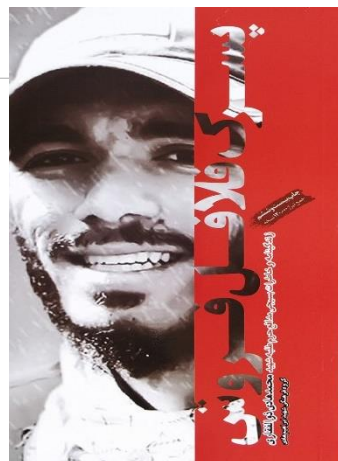
افسانه‌ها و واقعیتی که پشت دولت اسرائیل است و اکثر ما از آنها بی‌خبریم... در این کتاب پیشگامانه، که در پنجاهمین سالگرد اشغال منتشر شده است، ایلان پاپه، مورخ صریح و تندروی اسرائیلی، مورد بحث‌ترین عقاید در مورد ریشه و هویت دولت معاصر اسرائیل را مطرح کرده و با ما به اشتراک می‌گذارد.



پسرك فلاف فروش

زندگی‌نامه و خاطرات طلبه بسیجی مدافع حرم، شهید محمد هادی ذوالفقاری
شرح کتاب:

در روزگاری که جامعه بی‌هویت غرب، از نبود اسطوره‌های واقعی رنج می‌برد، ما قهرمانان واقعی داریم که می‌توانند برای همه‌ی جوامع انسانی الگوی واقعی باشند. شهید ذوالفقاری یکی از بسیار قهرمانان کشور ماست. این کتاب، حاوی مجموعه خاطراتی از پدر، مادر، خواهر و جمعی از دوستان و آشنایان شهید در ایران و عراق، از دوران کودکی تا زمان شهادت است و عنوان کتاب نیز برگرفته از عنوان یکی از همین خاطرات می‌باشد.




سخن پایانی:


نشریه پیش روی شما خود را وقف مسائل بین‌الملل کرده است و در اولین شماره از این نشریه در تلاش بوده ایم تا گوشه‌ای از رخداد های بین‌المللی اخیر را پوشش دهیم. قضایای سوریه، لبنان و به ویژه فلسطین بر ما ایجاب می‌کند تا میان رویداد های بین‌المللی، بیشترین سهم را برای موضوعاتی مربوط به این کشورها در نظر بگیریم. باشد که در این امر موفق بوده باشیم. منتظر نظرات شما هستیم تا بتوانیم قدمی هر چند کوچک در راستای بهبود این نشریه برداریم. با تشکر از توجه شما و زمانی که برای خواندن این نشریه اختصاص دادید.

به امید آزادی قدس

یادداشت شما

سلام و رحمت،
توی این بخش قراره که متن های جذاب شما منتشر بشه. اگر دوست داری متن رو توی نشریه عروج ببینی، حتی اگر اولین بارته که دست به قلم میشی، متن رو برای ما بفرست تا ما توی این بخش قرار بدیم.

 @Oruj_adminn

 @Oruj_adminn

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با تکمیل نظرسنجی زیر به گوش ما برسانید. نظرات شما در شماره‌ی بعدی نشریه عروج قرار خواهد گرفت.



مَن این قَصیده به پایانِ نِمی تَوانم بُرد

که شَرَحِ مَکْرَمَتِّ را نِمی رَسَدِ پَایان

